

جهانی سازی ادبیات حسینی (تأکید بر معرفی کلاسیک ادبیات حسینی)

دکتر محمد رضا فخرروhani^۱

چکیده

از میان آثار ادبی جهان تنها بخش اندکی از آن‌ها به عنوان آثار کلاسیک جهانی معرفی می‌شوند. آثار کلاسیک آن‌هایی هستند که از درس‌هایی عمیق برای جهانیان برخوردار هستند. از آن‌جا که بخش قابل توجهی از ادبیات حسینی شایسته معرفی شدن در سطح آثار کلاسیک و ادبیات جهانی است، مقاله حاضر به بررسی راهکارهایی در این زمینه مهم و کمتر مورد توجه قرار گرفته می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: ادبیات جهان، آثار کلاسیک، ادبیات حسینی، ادبیات عاشورا.

۱. مقدمه

صلی الله علیه و آله یا ابا عبدالله الحسین. یکی از ممیزات شیعه امامیه نسبت به سایر ادیان و فرق، اعتقاد راسخ و شیدایی وصف ناپذیر در ابراز ارادت و به تبع آن برگزاری پرشور مراسم عزاداری حضرت اباالشهداء و سید الاحرار امام ابا عبدالله الحسین علیه السلام است. ناگفته نماند که تنها شیعیان نیستند که به چنین ارادت ورزی افتخار می‌کنند، بلکه از آن‌جا که حضرت ثار الله، امام و رهبر تمامی انسانیت بوده‌اند، هر کسی که از عقل

۱- استادیار دانشگاه قم

عرفی و شعور متعارف انسانی بهره‌مند است، در برابر عظمت ایثار منحصر به فرد آن سرور انس و جان سر تنظیم فرود آورده و به حکم قدرشناسی مراتب ارادت خود را ابراز می‌دارد. از این رو، عجیب نیست که برخی از غیرمسلمانان مجنون آن سلیمان کربلا شده و خاک سرزمین کرب و بلارا توتیای چشم می‌کنند.

در این نوشتار برخی توضیحات، لازم به یادآوری هستند. مراد از «ادبیات» همان مفهوم متعارف در ادبیات است و برگفته‌ها و نوشته‌هایی اطلاق می‌گردد که در تراوشات عاطفی و ذوقی اشخاص ظهور و تجلی می‌یابد و در عین حال از دو سطح متمایز و مرتبط با یکدیگر تشکیل شده است. این دو سطح عبارتند از: ۱- سطح متن و عین عبارت‌های به کار رفته ۲- لایه زیرین متن که ناظر بر مفاهیم دینی - اعتقادی، اشاره‌های تاریخی و محتوایی است و ناگفته مانده و در عین حال هر مخاطب آشنایی با این گفتمان، مراد اصلی متن را در می‌یابد.^(۱)

در این نوشتار، «ادبیات حسینی» به ادبیاتی اطلاق می‌گردد که به نوعی به شخصیت و وجود نورانی حضرت امام حسین علیه السلام مربوط می‌گردد. لازم به تذکر است که دایره شمول ادبیات حسینی بسی گسترده‌تر از ادبیات عاشورایی و اربعین است، زیرا که عاشورا تنها بخشی از زندگی آن حضرت را تشکیل می‌دهد و البته بسیار پرننگ و فوق العاده چشمگیر است.

ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) گستره‌ای دارد که بر حسب مکان، زمان و زبان قابل تعریف است. به لحاظ مکانی، ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌گردد که نقطه توجه آن رویدادهای سرزمینی کربلا در سال ۶۱ هجری است، البته با این قید که صحنه جنگ تحمیلی روز عاشورا را از جبهه حضرت امام حسین علیه السلام تصویر کند. از نظر زمانی، ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) دارای این امتیاز است که نخستین مطالب و مواد آن مدت‌ها پیش از آن واقعه و با پیش‌بینی آن بوسیله دیگر معصومین علیهم السلام ایجاد شده‌اند. جدا از خبر دادن‌های سایر پیامبران، اندکی پس از تولد حضرت امام حسین علیه السلام جد بزرگوارش نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله خبر دادند. بر اساس آنچه در بخش دوم کتاب «سیرتنا و سنتنا»، تألیف مرحوم علامه امینی رضوان الله علیه، آمده

است، پیامبرگرمی اسلام دست کم در ۲۴ مجلس موضوع شهادت حضرت امام حسین علیه السلام را مطرح فرموده و بر شهادت آن حضرت گریستند.^(۳)

ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) را به لحاظ تولید محتوا هرگز نمی توان در دوره زمانی خاصی محدود کرد، زیرا مشتاقان آن حضرت همواره آثاری نو و بدیع در این باره می سرایند که گویی این خبر را به تازگی دریافت نموده اند. البته، تقسیم بندی ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) به دوره های زمانی و یا مکاتب ادبی، کاملاً پذیرفتنی و علمی است و در جای خود بسیار شایسته بحث کردن است.

ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) به لحاظ زبانی به هیچ وجه به زبان عربی محدود نمی شود. هر چند نخستین آثار عاشورایی به زبان عربی نگاشته شدند، اما حوزه تأثیر گذاری این رویداد از یک سو و اسلام آوردن و شیعه شدن دیگر قومیت ها (مثلاً ایرانیان و یا هندیان) از سوی دیگر سبب پیدایش ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) به دیگر زبان ها شد. ادبیات عاشورا (و یا عاشورایی) را نمی توان به زبان و یا زبان های خاصی محدود و معدود کرد. این ادبیات می تواند به هر زبانی به وجود بیاید و تنها شرط آن انطباق موضوعی و زوایه دید پدید آورندگان آن اثر نسبت به حضرت امام حسین علیه السلام است. به عبارت دیگر، باید گفت که ادبیات عاشورا همواره در اوج قرار داشته و ادبیات غیر اعتقادی شیعه از جهت تأثیرگذاری هرگز قدرت رقابت با آن را نداشته است.

ادبیات عاشورا همواره از ویژگی چند نقشی، برخوردار بوده است. هر چند وجه غالب تولید ادبیات به طور اعم بازنمایی و بیان احساسات شاعر و یا ادیب است، اما ادبیات عاشورا از این امتیاز و ویژگی برخوردار است که علاوه بر بیان احساسات در قالب الفاظ و شعر، ضمن آگاهی بخشی، کارکرد دینی دارد و در دوره هایی نوعی مبارزه سیاسی هم محسوب می شده است. آگاهی بخشی این ادبیات بدین صورت است که اشعار عاشورایی - به هر زبانی که باشد - به نوعی گزارشگر رویدادهای تلخ صحرای کربلا بوده و جبهه حق علیه باطل را به روشنی به تصویر می کشد و بخشی از جنایات بنی امیه علیه اهل بیت پیامبر را به مخاطبان خود منتقل می کند.

ارزش دینی تولید ادبیات عاشورا در این اصل نهفته است که اهتمام ائمه

معصومین علیهم السلام در تربیت ادبیات عاشورایی و عاشورا سرایان بسیار ستودنی است. سفارش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به ابوهارون المکفوف که مرثیه سرایی کند و نیز حضرت امام رضا علیه السلام به دعبل که برای حضرت امام حسین علیه السلام مرثیه بگوید؛ با عبارت «یا دعبل! ارث الحسین» نشان از دینی بودن این حرکت دارد و اجر و ثواب آن را بهشت دانسته‌اند.

جنبه مبارزه سیاسی نهفته در ادبیات عاشورا خود لایه‌های چندگانه‌ای دارد. در دوره بنی امیه و بنی عباس پرچم بیان اعتراضی، در مخالفت با غاصبان حق اهل بیت برافراشته شد و در دوره‌های بعدی؛ مثلاً، در دوره پهلوی اول و دوم با تشبیه و کنایه، به قیاس کردن پهلوی با بنی امیه پرداخته شد. در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شعر عاشورایی کاردهایی از قبیل یادآوری جنایات تاریخی بنی امیه، اشغال و حاکمیت ظلم بر عتبات عالیات و تحریض و تشویق رزمندگان در جنگ با دشمن بعثی را بیان می‌کرد، زیرا که بعثی‌ها در بی رحمی و قساوت قلب از پدران اموی و عباسی خود هیچ کم نداشتند.

از دیگر جنبه‌های ادبیات عاشورایی رنگ خلوص نیت در آن است، برخلاف شعرهای مدحی پادشاهان و امیران که به امید دریافت صله و یا ارائه خوش خدمتی سروده می‌شود، ادبیات عاشورا از سرسوز دل و خلوص نیت بوده و هرچند برخی از اشعار و آثار ادبی آن جاودانه شده‌اند، با این حال شاعران آن آثار هرگز مسئولیت خود را پایان یافته تلقی نکرده‌اند و هنوز بر این باورند که آن چنان که باید انجام وظیفه نکرده‌اند.

به راستی کدام دین و کدام مداحی توانسته است چنین ابیات و این گونه ادبیاتی را به جهان عرضه کند؟ از سوی دیگر، ما برای جهانی سازی این ادبیات چه کرده‌ایم و چه باید بکنیم؟ نوشتار حاضر به برخی از این بحث‌ها می‌پردازد و هدف از آن معرفی ادبیاتی نه در تراز، بلکه بر فراز است که از آن‌ها معمولاً به عنوان ادبیات کلاسیک جهانی یاد می‌شود.

۲. پیشینه آثار کلاسیک

عنوان «آثار کلاسیک» ریشه در ادبیات یونان باستان و دوران تمدن هلنی دارد. در نظام اجتماعی یونانی باستان و هلنی، تبعیض اجتماعی و طبقاتی وجود داشت و مردمان آن به دو دسته کلی تقسیم می‌شدند که یا یونانی زبان و از اشراف بودند و از این نظر به طبقه بالای جامعه و «طبقه اشراف» تعلق داشتند و یا غیر یونانی زبان بوده و لذا بربر به حساب آمده و «زبان نامفهومی» داشتند؛ آن دسته از آثاری که یونانی و فاخر بوده و برای طبقه اشراف و به ویژه نمایش نامه‌های یونانی مناسب بوده، به آن‌ها «آثار کلاسیک» گفته می‌شود که در این سیاق منظور از آن‌ها «آثار ادبی مناسب اشراف» بود.

هر چند بعدها تمدن‌های یونانی و سپس رومی پس از مدتی درخشش، در محاق افول هلنی فرو رفتند، اما اروپاییان بعدها در دوره‌های پس از رنسانس به آثار آن‌ها توجه کرده تعداد قابل توجهی از آثارشان را مکرراً ترجمه، نشر، تحشیه و تدریس کردند که هنوز هم این جریان ادامه دارد. این دوره در آثار ادبی اروپاییان به دور، نئوکلاسیسم مشهور است و در واقع به دوره تجدید حیات و احیا و الگو برداری از آثار ادوار پیشین یونانی و رومی مربوط می‌شود. دقیقاً از همین دوران و مشخصاً از قرن هجدهم میلادی به بعد، چهره‌های ادبی برجسته‌ای در اروپا به ارائه تعاریفی از آثار کلاسیک و ویژگی‌های آن‌ها پرداختند.

یکی از این نویسندگان قرن هجدهم در فرانسه آگوستین سنت «Saint Beuve» بود که اعتقاد داشت که وجود نویسندگان و اندیشمندان کلاسیک بر آثار چنین فردی تقدم و رجحان دارد. وی اعتقاد داشت که اندیشمندان کلاسیک از اصالت فکر و دیدگاه برخوردار است و اندیشه‌های چنین فردی به وجود آورنده آثار کلاسیک است.

از جمله نویسندگان تأثیرگذار قرن بیستم، ادیب معروف آمریکایی - انگلیسی تی اس الیوت است که در سال ۱۹۴۴ در انجمن مطالعات ویرژیل در لندن سخنرانی مهمی تحت عنوان «اثر کلاسیک چیست؟» ایراد کرد که در سال بعد، یعنی در ۱۹۴۵ بوسیله همان انجمن چاپ شد و بعدها هم در مجموعه آثار وی مجدداً منتشر شد. الیوت آثار

کلاسیک را دارای ویژگی‌هایی می‌داند که اهم آن‌ها عبارتند از: ۱- «غنی بودن» که به «غنا در اندیشه»، «غنا در سلوک» و «غنا در زبان» مربوط می‌شود. ۲- «جامعیت» که اثر کلاسیک باید بیانگر حد اعلای آن‌چه را از یک اثر بزرگ ادبی انتظار می‌رود به طور جامع در خود نهفته باشد. ۳- «جهانی بودن» که پس از دو ویژگی «غنی بودن» و «جامعیت»، الیوت از آن صحبت می‌کند و نقطه مقابل «منطقه‌ای بودن» است؛ بدین معنا که اثری که «منطقه‌ای» است، بیشتر منعکس کننده ارزش‌های مردمان همان منطقه‌ای است که در آن جا به وجود آمده است، در حالی که آثار «جهانی» حوزه تأثیر گذاری و پذیرش در سطح جهانی و همه انسان‌ها را در خود دارند. ۴- «وزانت» که آخرین ویژگی آثار کلاسیک از نظر الیوت است و بیانگر نگاه عمیق و عبرت آموز به وجود آورندگان آن‌ها از تاریخ است. به عبارت دیگر، آثاری که فاقد ژرف‌نگری تاریخی هستند، از «وزانت» مورد انتظار برای قرار گرفتن در گروه آثار کلاسیک برخوردار نیستند (الیوت، ۱۹۵۷: ۷۰-۵۳).

سخنرانی یاد شده الیوت، الهام بخش ادیبان بعدی شد. آقای فرانک کرمود یکی از این محققانی بود که از «اثر کلاسیک» در مقابل «کلاسیک‌های فرو دست‌تر» (کرمود، ۱۹۵۷: ۱۱۷) یاد می‌کند. وی می‌گوید که آثار کلاسیک از دال‌های (عناصر رهنمود بخش) افزون‌تری برخوردارند (کرمود، ۱۹۷۵: ۱۴۰) و این آثار جوهره اخلاق و تجربه گذشتگان است (کرمود، ۱۹۷۵: ۱۴۱). در سال ۱۹۸۱، ادیب ایتالیایی، آقای ایتالوکالوینو در مقاله‌ای با عنوان (ترجمه‌ای) «چرا باید آثار کلاسیک را خواند؟» از چهارده ویژگی آثار کلاسیک نام می‌برد که اهم آن‌ها عبارت است از این که آثار کلاسیک همواره مورد خوانش‌های مکرر بوده، هرگز پیامشان به پایان نرسیده و مهم‌تر از همه این که با خواندن آن‌ها به دل مشغولی‌های بزرگ‌تر و فکربرانگیزتر از مشکلات زودگذر خودمان دست می‌یابیم (کالوینو، ۱۹۸۶/۱۹۸۲: ۱۳۲-۱۲۵).

موکرجی در کتابی با عنوان (ترجمه‌ای) اثر کلاسیک چیست؟ با بازنویسی دیدگاه‌های پسا استعماری و آفرینش اثر معیار ادبی به بررسی نظریه‌هایی که در این باره ارائه شده‌اند پرداخته و ویژگی‌های مهم آثار کلاسیک را سرمایه ادبی بودن و عظمت ادبی آن‌ها دانسته

و این که آثار کلاسیک به گونه‌ای هستند که هم میراث گذشتگان را نشان داده و هم شایسته بازخوانی هستند و از این رو مکرراً مورد نقد و بررسی‌های ادبی قرار می‌گیرند (موکرجی، ۲۰۱۴: ۳۱-۲۹).

بر پایه آن چه گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که اولاً آثار ادبی دارای سلسله مراتب بوده، برخی در سطح محلی و منطقه‌ای و برخی در سطح جهانی قابل طرح و معرفی هستند و هرچقدر یک اثر ادبی دارای جامعیت، محتوا و شمول فراگیرتری باشد، از امکان شایستگی و قابلیت ماندگارتی در تراز جهانی برخوردار خواهد بود.

۳. ادبیات دینی

عنوان «ادبیات دینی» به نوعی محل بحث است. غالب ادیبان و نظریه پردازان ادبی، «ادبیات» را شامل آثاری می‌دانند که اولاً زاینده تخیل نویسنده است و از سوی دیگر، «دین» زاینده تخیل نبوده، بلکه ریشه در تعالیم الهی دارد. برخلاف آفرینش‌های ادبی که از شخصی به شخص دیگر تفاوت‌های فراوانی در الفاظ و سبک‌های به‌کاررفته در آن‌ها دیده می‌شود و حتی آفرینش‌های ادبی یک شخص هم از تولیدی به تولید دیگر تفاوت دارد، آموزه‌های دینی یکسان است و چنین تفاوت‌های فردی در آن‌ها دیده نمی‌شود. البته این ویژگی‌های ثبوت در آموزه‌ها، در ادیان الهی و ابراهیمی و به خصوص در اسلام که کتاب دینی آن قرآن مجید بدون تغییر باقی مانده است، دین نامیده می‌شود و گرنه سایر ادیان ابتدایی که ساخته و پرداخته دست بشر است، کاستی‌ها و تناقضات بسیاری دارند. در این نوشتار، لفظ «دین» در مفهوم اسلامی آن به کاررفته است و احکام سایر ادیان مورد بحث نیست.

از جمله تعریف‌های ارائه شده برای «ادبیات دینی» آن‌هایی است که خانم هلن گاردنر در یک سلسله آثاری که در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ ارائه کرد و مجموع آن‌ها در کتابی با عنوان (ترجمه‌ای) دین و ادبیات در سال ۱۹۷۱ در لندن به چاپ رسید. گاردنر در مقاله سخنرانی خود با عنوان «تعریفی از شعر دینی» که در سال ۱۹۶۶ ارائه کرد می‌گوید: «شعر دینی محصول خاصی از شعر است» (گاردنر، ۱۹۷۱: ۱۲۱) و در جایی

دیگر: «احساس تعهد و پای بندی به آن جوهره دین را تشکیل می دهد» (گاردنر، ۱۹۷۱: ۱۳۴) و این که «شعر دینی آمیزه ای از بیان حقیقت دینی و احساس تعهد دینی پدیدآورندگان آنان است» (گاردنر، ۱۹۷۱: ۱۴۲). وی سپس در مقدمه کتاب خود می گوید که تعریف وی از «شعر دینی به طور خاص ناظر بر شعری است که بیانگر تعهد دینی است.» (گاردنر، ۱۹۷: ۷).

۴. ادبیات دینی حسینی

بر پایه آن چه به اجمال و اختصار گفته شد «ادبیات دینی حسینی» به محتوای آن آثاری تعلق می گیرد که خمیرمایه آن را جنبه های تاریخی، معتقدات و آموزه های دینی اسلامی تشکیل می دهد که در کلام و سیره حضرت امام حسین علیه السلام وجود دارد. شایان ذکر است که بخش مهم و قابل توجهی از ادبیات حسینی به رویدادهای مرتبط با شهادت آن حضرت و اصحابشان در عاشورای سال ۶۱ هجری تعلق می گیرد. از این نظر، مقاتل امام حسین علیه السلام، زیارت نامه ها، آداب زیارت و فضایل آن نیز در طبقه ادبیات حسینی قرار می گیرد. واضح است که کلیه مدایح، مرثی و نوحه ها در طبقه ادبیات حسینی جای می گیرد. لازم به توضیح است که طبقه بندی و گونه شناسی هر کدام از مصادیق یادشده، نیازمند مطالعات جداگانه و مستقلی است که هر کدام در جای خود باید طرح و بحث شود.

۵. کلاسیک بودن برخی از ادبیات حسینی

بر اساس ویژگی هایی که از آثار کلاسیک در بالا گفته شد می توان به این نتیجه رسید که برخی از نمونه ها و مصادیق حسینی از این قابلیت و شایستگی برخوردارند که به عنوان آثار کلاسیک به جهان ارائه شوند. البته قید «برخی از» به این دلیل است که تنها بخش برگزیده ای از آثار ادبیات حسینی از شرایطی که برای ادبیات کلاسیک بر شمرده شد برخوردار هستند. واضح است آثاری که عمق تاریخی و غنای در مفاهیم ندارند، کمتر از این شایستگی بهره مند خواهند شد که برای آیندگان و پیروان سایر ادیان و در

ترازی گسترده‌تر برای تمامی بشریت، درس‌آموز و پرنکته باشند. جدا از زیارت‌نامه‌ها، احادیث، اخبار، رجزها و مقاتل مآثور که بسی افزون‌تر از شرایط آثار کلاسیک را دارا هستند، مابقی نمونه‌های ادبیات حسینی را باید به خوبی مورد کاوش قرار داد و آن آثاری که شرایط کلاسیک تلقی شدن را دارند باید جدا کرد. برای نمونه برخی از اشعاری را که بوسیله تربیت شدگان این مکتب و با توجه به اخبار و احادیث معتبر سروده شده‌اند و در آن‌ها هم بعد اعتقادی و هم بعد تاریخی قوی قابل شناسایی است می‌توان در دسته آثار کلاسیک جای داد. در زبان فارسی، اشعار کسایی مروزی، محتشم کاشانی، قآنی شیرازی و از معاصران اشعار حبیب چایچیان «حسان» این گونه هستند. در زبان اردو مرثیه‌های میرانیس و میرزا دبیر و جوش ملیح آبادی چنین ویژگی‌هایی دارند.

۶. اقدامات لازم برای معرفی آثار کلاسیک حسینی در سطح جهانی

آثار ادبیات حسینی و به‌ویژه آن‌هایی که شایسته معرفی شدن در سطح آثار کلاسیک هستند، به وفور یافت می‌شوند. بنابراین لازم است که گام‌های اساسی در جهت معرفی جهانی این آثار ارزشمند برداشته شود. برای این منظور راهکارها و اقدامات ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- آثار کلاسیک بر حسب زبان مبدأ شان (عربی، فارسی، ترکی، اردو و جزآن) شناسایی و دسته بندی شود. برای این منظور می‌توان از معتبرترین چاپ‌های آن‌ها استفاده کرد.

۲- آثار کلاسیک بر حسب نویسندگان، موضوعات اصلی (مثلاً وقایع پیش از عاشورا) و موضوعات فرعی و ریزتر (مثلاً شهادت حضرت مسلم بن عقیل) تقسیم بندی و برگزیده شود.

۳- قطعات برگزیده شده به زبان‌های زنده دنیا (مثلاً انگلیسی و فرانسه) ترجمه شود.

۴- در صورتی که برخی از قطعات دارای ترجمه به آن زبان‌ها هستند، آن ترجمه‌ها بوسیله تعدادی از استادان خبره مورد بررسی قرار گرفته و در صورت قابل قبول بودن، برای

مراحل بعدی انتخاب و کنار گذاشته شوند. مثلاً مرثیه معروف قآنی شیرازی و یا بخش‌هایی از دوازده بند محتشم کاشانی بوسیله ادوارد براون در جلد چهارم تاریخ ادبی ایران موجود است.

۵- آثار و قطعاتی که برگزیده و ترجمه می‌شوند باید دارای پی‌نوشت‌های توضیحی باشند، تا حتی الامکان برای خوانندگانی که متن انگلیسی یا فرانسه آن را می‌خوانند روشن باشد. این توضیحات باید موارد و نکات اعتقادی، تاریخی و جغرافیایی را به روشنی برای مخاطبان ثانویه آن آثار (که آن‌ها را به صورت ترجمه می‌خوانند) مشخص نماید.

۶- برخی از آثار ادبیات حسینی، مثل اشعار و مرثی میرانیس که به زبان اردو است، دارای ترجمه‌های متعددی به زبان انگلیسی است. در این صورت، این ترجمه‌ها تنها نیازمند افزودن پی‌نوشت‌های توضیحی هستند.

۷- پس از آن که مراحل یادشده انجام شد، شایسته است که در آغاز هر جمله و یا هر بخش از هر جمله (آن گونه که مناسب است) مقدمه‌ای درج شود که بیانگر اهمیت موضوع برای خوانندگان و مخاطبان آن آثار باشد.

۸- برای آن دسته از خوانندگانی که به دنبال مطالعات بیشتر هستند، لازم است در پایان مقدمه، کتابنامه‌ای هم افزوده شود و راهنمایی برای مطالعات بیشتر باشد.

۹- لازم است که برای نشر و توزیع چنین ترجمه‌هایی از ناشرانی که قدرت انتشار آثارشان را در سطح جهانی دارند استفاده شود. شایان ذکر است که موازین و معیارهای نشر در سطح بین‌المللی با آن چه بوسیله ناشران محلی و داخلی انجام می‌شود متفاوت است.

۱۰- بنا بر وجود امکانات نشر الکترونیکی، قرار دادن نسخه نهایی این آثار بر روی سایت‌های معتبر نیز یکی از راه‌های سهل‌الوصول در این مهم است.

منابع

۱- این تقسیم‌بندی دوگانه در خصوص متون ادبی براساس (رایان، ۱۹۸۷) است. شایان ذکر است که ایگلتون پنج ویژگی برای آثار ادبی برمی‌شمرد (ایگلتون، ۲۰۱۲: ۵۴) که عبارتند از: طرح، پیچیدگی صوری، موضوعات یکدست‌کننده، عمق اخلاقی و خلاقیت تخیلی.

اما، وی در جایی دیگر تصریح می‌کند که چیزی به نام تعریف روشن از ادبیات وجود ندارد (ایگلتون، ۲۰۱۲: ۳۲) و هر کدام از تعریف‌هایی را که دیگر ادیبان و نظریه پردازان نقد ادبی نقل می‌کنند، با موارد نقض مواجه می‌کند. از این رو، در نوشتار حاضر به تعریف ارائه شده از سوی رایان اکتفا شده است.

۲- در اغلب کتاب‌هایی که درباره حضرت امام حسین علیه السلام نوشته شده است به موارد مکرر پیش‌گویی‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیز حضرت امام علی علیه السلام و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام اشاره شده است. برای این منظور، می‌توان به کتاب آیت الله مرحومی / علامه عبدالحسین امینی «سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته» (نجف، ۱۳۸۴ ق) و ترجمه فارسی آن با عنوان «راه و روش ما، راه و روش پیامبر ماست»، به قلم مرحوم آیت الله سید محمد باقر موسوی همدانی (تهران، ۱۳۸۸ ش) مراجعه کرد.

References

- Calvino, Italo (1982/1986) *Uses of Literature: Essays*, trans. Patrick Creagh, San Diego, CA: Harcourt Brace.
- Eagleton, Terry (2012) *The Event of Literature*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Eliot, T. S. (1945/1957) *What is a Classic?*, repr. in *On Poetry and Poets*, London: Faber and Faber, pp. 53-71.
- Gardner, Helen (1971) *Religion and Literature*, London: Faber and Faber.
- Greene, Roland, et al., eds. (2012) *The Princeton Encyclopedia of Poetry and Poetics*, 4th edn., Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Howatson, M. C., and Ian Chilvers, eds. (1993/ 1996) *The Concise Oxford Companion to Classical Literature*, Oxford: Oxford University Press, s.v. "Classic".
- Kermode, Frank (1975) *The Classic*, London: Faber and Faber.
- Leitch, Vincent B., ed. (2010) *The Norton Anthology of Theory and Criticism*, 2nd edn., New York: W. W. Norton.
- Merriam-Webster's *Encyclopedia of Literature* (1995) Springfield, MA: Merriam-Webster.
- Mukherjee, Ankhi (2014) *What is a Classic?: Post-Colonial Rewriting and Invention of the Canon*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Ryan, Krishna (1987) *Text and Sub-Text: Suggestions in Literature*, London: Arnold.